

## ابیات شاهنامه فردوسی در تاج‌المآثر نظامی

دکتر عبدالرضا سیف

استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران

علی غلامی<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران

(از صفحه ۴۱ تا ۵۷)

تاریخ دریافت: ۹۲/۱/۳۱، تاریخ پذیرش: ۹۲/۶/۲۵

### چکیده

یکی از کارهای لازم و ضروری که در زمینه شاهنامه پژوهی باید انجام گیرد، گردآوری و بررسی ابیات پراکنده شاهنامه در متون کهن فارسی است. هدف چنین پژوهشی در وهله نخست، یاری در تصحیح متن شاهنامه است. از آنجاکه میان تاریخ انجام شاهنامه (۴۰۰ ق.) تا قدیم‌ترین نسخه آن، فلورانس، (۶۱۴ ق.) بیش از دویست سال فاصله زمانی وجود دارد و از سده هفتم و هشتم کمتر از ده نسخه وجود دارد، مصحح شاهنامه ناچار است در کار خود، غیر از دست‌نویس‌های کتاب، از هر مأخذ دیگری که به تصحیح این متن یاری رساند، بهره بگیرد. از جمله این مأخذ جانبی، ابیات پراکنده شاهنامه در متون سده‌های ششم تا هشتم است که دست‌نویس‌های کهنی از آنها بر جای مانده است.

این نوشتار، کتاب تاج‌المآثر را به عنوان یک نمونه برجسته از این منابع برگزیده و بر آن است تا ابیات شاهنامه را از این کتاب استخراج و با متن شاهنامه مقابله کند.

**واژگان کلیدی:** شاهنامه، تاج‌المآثر، تصحیح متن، منابع جانبی/فرعی تصحیح شاهنامه.

۱. رایانامه نویسنده مسئول: gh.aligholami@yahoo.com

## مقدمه

یکی از جنبه‌ها و گرایش‌های پژوهشی که همواره در رویارویی با شاهنامه مورد توجه محققان بوده، کوشش برای به دست دادن متنی تصحیح‌شده و انتقادی از شاهنامه است. کهن‌ترین این کوشش‌ها را کسانی کرده‌اند که با فاصله زمانی نسبتاً کمی با فردوسی می‌زیسته‌اند. نخستین کسی که از قدما به جمع‌آوری و تصحیح متن شاهنامه دست زد، حمدالله مستوفی مورخ و شاعر قرن هشتم بوده است (ریاحی، ۱۳۸۲: ۲۶۲).

تحقیقات معاصران درباره تصحیح و چاپ شاهنامه از نخستین سال‌های قرن نوزدهم میلادی آغاز شد. با ورود اروپاییان به هند و آشنایی با محبوبیت و رواج زبان فارسی در آن سرزمین، کم‌کم تلاش‌ها برای تحقیق روی شاهکارهای نظم و نثر فارسی و چاپ آنها آغاز شد. از جمله موضوعاتی که در همان آغاز پژوهش درباره شاهنامه مورد توجه خاورشناسان قرار گرفت، «تصحیح» متن شاهنامه بود.

در سال ۱۸۰۱ م. هاگمن بخش‌هایی از شاهنامه را در ۳۲ صفحه با نام «شاهنامه» چاپ کرد (قریب، ۱۳۶۹: ۴۲). سپس ماتیو لمسدن، از معلمان مدرسه فورویلیام کلکته، در سال ۱۸۱۱ نخستین جلد شاهنامه را در ۷۲۲ صفحه با مقدمه مشروح انگلیسی به چاپ رسانید (رستگار فسایی، ۱۳۸۵: ۲۸). او قصد داشت مجلدات دیگر شاهنامه را نیز به چاپ برساند، اما توفیق نیافت. نخستین متن کامل شاهنامه را ترنر ماکان براساس نسخه‌های موجود در کلکته هند به سال ۱۸۲۹ در چهار جلد به چاپ رسانید. پس از آن ژول مل، دانشمند آلمانی‌تبار فرانسوی، متنی از شاهنامه به همراه ترجمه فرانسوی آن در میان سال‌های ۱۸۳۸-۱۸۷۸ م. در هفت مجلد به چاپ رساند. اندکی بعد و آرس، زبان‌شناس آلمانی، با مقابله چاپ‌های ترنر ماکان و ژول مل، نیمی از شاهنامه را در میان سال‌های ۱۸۷۷-۱۸۸۴ م. در سه جلد در لیدن چاپ کرد و پس از مرگ وی دستیارش، لاندوئر، به ادامه کار همت گماشت، ولی نتوانست آن را به پایان برساند (ریاحی، ۱۳۸۲: ۹۶-۹۷). مشهورترین و دقیق‌ترین چاپ خاورشناسان، چاپی است انتقادی که در انستیتو خاورشناسی آکادمی شوروی در میان سال‌های ۱۹۶۰-۱۹۷۱ م. در نه جلد به چاپ رسید (قریب، ۱۳۶۹: ۴۷).

شاهنامه جزو متون کهنی است که تعداد نسخه‌های خطی آن بسیار زیاد است، اما کهن‌ترین آنها، فلورانس (۶۱۴ ق.)، بیش از دویست سال با سرایش شاهنامه فاصله دارد. در

همین نسخه‌های موجود نیز که هیچ‌یک از نظر ترتیب ابیات و سیاق کلام مانند هم نیستند، دخل و تصرف خیلی زیادی صورت گرفته است. گاه ابیاتی به متن اضافه شده و گاه به دلیل کج‌فهمی کاتبان کم‌سواد یا مخدوش و ناخوانا بودن دست‌نویس، واژگانی از متن کتاب حذف شده و به تعبیراتی جدیدتر تغییر یافته است. فردوسی خود هنگام سرودن شاهنامه و پس از آن، تغییراتی در شاهنامه داده است. این همه دست به دست هم داده تا امروز نسخه مستقل و خالی از هر گونه دخل و تصرف از شاهنامه وجود نداشته باشد.

با وجود مشکلات و موانعی که برشمردیم، مصحح ناچار است در کنار نسخه‌های خطی کتاب، از منابع دیگری نیز جهت انجام کار تصحیح بهره بگیرد. این منابع - که از آن با عنوان منابع فرعی یاد می‌شود - انواع گوناگونی دارد. یکی از آنها، برخی کتاب‌های سده‌های ششم تا هشتمی است که جهت آرایش کلام و یا به مقتضای حال، ابیاتی را از دست‌نویس‌های سده‌های پنجم و ششم و هفتم هجری قمری شاهنامه نقل کرده‌اند. با توجه به اینکه قدمت برخی دست‌نویس‌های این متون، از قدیم‌ترین نسخه‌های شاهنامه بیشتر است، در تصحیح و مقابله برخی از ابیات شاهنامه بسیار سودمند است.

باید توجه داشت که هر چند می‌توان این بیت‌ها را همچون محکی برای ارزیابی دست‌نویس‌های موجود شاهنامه و تصحیح این کتاب به کار بست، متأسفانه بنا به دلایلی، چندان هم نمی‌توان به ضبط این بیت‌ها اعتماد کرد. نخست آنکه در برخی موارد، مؤلفان این بیت‌ها را از حافظه نقل می‌کردند و در این نقل از حافظه، گاهی صورت اصلی بیت یا برخی واژگان آن دگرگون می‌شد. دوم اینکه گاهی این بیت‌ها از دستبرد کاتبان و حتی مؤلفان اصلی کتاب‌ها در امان نبوده‌اند و گاه به علت اینکه دست‌نویس‌های موجود کتاب‌هایی که این بیت‌ها از آنها نقل می‌شد، به دوره‌های متأخر متعلق است، ضبط جدیدترین دست‌نویس‌های شاهنامه بر ضبط نسخه‌های موجود از این کتاب‌ها رجحان دارد (خالقی مطلق، ۱۳۹۰: ۲۷۰). از این رو مصحح باید در استفاده از این ابیات در تصحیح شاهنامه جوانب احتیاط را رعایت کند؛ هر چند در کار خود از این منابع بی‌نیاز نیست.

در این نوشتار - که ابیات شاهنامه را در یکی از این متون بررسی می‌کند - کتاب

تاج‌المآثر نمونه برگزیده بوده است. تاج‌المآثر - که در اوایل قرن هفتم به دست حسن نظامی تألیف شده - کهن‌ترین منبع تاریخ پادشاهان و فرمانروایان غوری خراسان و هند است و وقایع سال ۵۸۷ تا ۶۱۴ ق. این سلسله را در بر می‌گیرد.

کتاب تاج‌المآثر در کنار ویژگی تاریخی‌اش، ویژگی برجسته دیگری دارد و آن داشتن شواهد شعری عربی و فارسی فراوان است و به گفته بهار، هیچ کتابی به قدر تاج‌المآثر شاهد شعری خاصه از اشعار متقدمان ندارد (بهار، ۱۳۷۰: ۷۰).

کهن‌ترین نسخه به‌دست‌آمده از این کتاب، نسخه‌ای است که در کتابخانه فیض‌الله افندی ترکیه نگهداری می‌شود و در سال ۶۹۴ ق. کتابت شده است. میکروفیلمی از آن با شماره ۱۶۹ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است که اساس کار ما در این پژوهش قرار گرفته است.

این کتاب را امیرحسن عابدی، استاد ممتاز دانشگاه دهلی نو، در تیر سال ۱۳۷۸ ش. چاپ کرده است؛ البته وی در چاپ خود، خیلی از ابیات درون متن کتاب را نیآورده است. در این کتاب، ۲۷۹ بیت در بحر متقارب آمده که ۹۲ بیت آن از شاهنامه فردوسی است. از این تعداد، ۳۳ بیت با متن مصحح خالقی مطلق همخوانی کامل دارد، که ما به دلیل محدودیت حجم مقاله، قادر به ذکر آنها نیستیم و تنها به ذکر مصراع نخست این ابیات و جایگاه آنها در تاج‌المآثر و شاهنامه بسنده خواهیم کرد:

درفشیدن ماه چندان بود (تاج‌المآثر ۴۱a: خالقی، چهارم، ۶۹۹/۴۵)؛ به زین اندر آمد که زین را ندید (تاج‌المآثر ۷۶a: خالقی، یکم، ۱۱۵۴/۲۴۳)؛ ز شب روشنایی نجوید کسی (تاج‌المآثر ۹۳b: خالقی، دوم، ۲۱۱۷/۳۴۵)؛ گلابست گویی به جویش روان (تاج‌المآثر ۱۱۷b: خالقی، دوم، ۳۰/۵)؛ هرآن کس که بر تخت شاهی نشست (تاج‌المآثر ۱۴۳b: خالقی، هفتم، ۲۹۲۵/۳۲۵)؛ ز خوی بد آید همه بتری (تاج‌المآثر ۱۴۴a: خالقی، هفتم، ۲۲۷/۴۸۳)؛ کند چرخ، منشور او را سیاه (تاج‌المآثر ۱۴۵a: خالقی، ششم، ۴۸/۱۳۷)؛ ستم‌نامه عزل شاهان بود (تاج‌المآثر ۱۴۵a: خالقی، ششم، ۴۹/۱۳۷)؛ هرآن کس که پوزش کند بر گناه (تاج‌المآثر ۱۴۵a: خالقی، ششم، ۶۰۷/۲۳۴)؛ تو را نام باید که ماند دراز (تاج‌المآثر ۱۴۵b: خالقی، سوم، ۱۹۹۴/۲۲۶)؛ بد و نیک ماند ز ما یادگار (تاج‌المآثر ۱۴۶a: خالقی، ششم، ۱۸/۳۵۶)؛ چو بخشایش پاک‌یزدان بود

(تاج‌المآثر ۱۷۵۵: خالقی، دوم، ۵۰۵/۲۳۶)؛ هوا گشت چون روی زنگی سیاه (تاج‌المآثر ۱۸۰b: خالقی، سوم، ۲۱۱۲/۲۳۴)؛ بسی سر جدا کرده دارم ز تن (تاج‌المآثر ۱۸۸۵: خالقی، سوم، ۱۵۹/۲۰۱)؛ سخن ماند از تو همی یادگار (تاج‌المآثر ۱۹۷a: خالقی، یکم، ۴۸۸/۸۵)؛ به هنگام شادی درختی مکار (تاج‌المآثر ۲۰۱b: خالقی، دوم، ۲۱۹۱/۳۵۱)؛ نهاد آن بن نیزه را بر زمین (تاج‌المآثر ۲۰۷a: خالقی، پنجم، ۱۰۲۰/۳۷۷)؛ بسان پلنگی که بر پشت گور (تاج‌المآثر ۲۰۷a: خالقی، پنجم، ۱۰۲۱/۳۷۷)؛ پدید آمد آن خنجر تابناک (تاج‌المآثر ۲۰۸a: خالقی، سوم، ۲۲۴۶/۲۴۲)؛ ز چشم سنان آتش آمد برون (تاج‌المآثر ۲۰۹a: خالقی، دوم، ۶۴/۷۱)؛ چپ و راست گفתי که جادو شدست (تاج‌المآثر ۲۰۱b: خالقی، یکم، ۱۲۷/۳۳۷)؛ سپیده هم آنگه ز که بردمید (تاج‌المآثر ۲۱۷a: خالقی، پنجم، ۱۳۱۸/۴۰۵)؛ نماینده شب به روز سپید (تاج‌المآثر ۲۴۲b: خالقی، یکم، ۴۳۹/۱۱۷)؛ چماننده دیزه هنگام گرد (تاج‌المآثر ۲۴۲b: خالقی، یکم، ۶۱۷/۲۰۵)؛ گراینده تاج و زرین کمر (تاج‌المآثر ۲۴۲b: خالقی، یکم، ۶۱۹/۲۰۵)؛ ز تندی پشیمانی آیدت بار (تاج‌المآثر ۲۴۴b: خالقی، سوم، ۵۱۰/۵۹)؛ پشیمانی آنگه ندادرت سود (تاج‌المآثر ۲۴۴b: خالقی، چهارم، ۲۰۸/۱۶)؛ تذروان به چنگال باز اندرون (تاج‌المآثر ۲۵۹b: خالقی، سوم، ۹۶/۳۱۰)؛ به پیش سپاه آوردند پیل (تاج‌المآثر ۲۶۴b: خالقی، پنجم، ۱۵۷/۵۴۱)؛ سواران جنگ از پس و پیل، پیش (تاج‌المآثر ۲۶۴b: خالقی، پنجم، ۱۵۸/۵۴۱)؛ ستاره پدید آمد از تیره‌گرد (تاج‌المآثر ۲۶۵b: خالقی، چهارم، ۱۵۳۷/۲۶۹)؛ اگر پند ما را شوی کاربند (تاج‌المآثر ۲۸۳b: خالقی، هفتم، ۴۴۹۰/۴۶۰)؛ ز درنده‌شیران زمین شد تهی (تاج‌المآثر ۲۹۰a: خالقی، دوم، ۳۲/۱۰۵).

این نوشتار کوشیده است ابیات شاهنامه را از کتاب تاج‌المآثر استخراج کند و با کهن‌ترین و معتبرترین دست‌نویس‌های موجود شاهنامه مطابقت دهد. در مواردی که اختلاف ضبط وجود دارد، آن اختلاف با ذکر منبع در پایان بیت آورده شده است. برای انجام این مهم، از شاهنامه فردوسی چاپ دکتر خالقی مطلق استفاده شده؛ زیرا این چاپ شاهنامه از حیث مقابله با کهن‌ترین نسخه‌ها و اشتغال بر نسخه‌بدل‌ها، بر چاپ‌های پیشین شاهنامه برتری دارد.

روش کار بدین شکل است که ابتدا بیت شاهنامه به همان صورتی که در کهن‌ترین نسخه تاج‌المآثر آمده، ذکر شده، و شماره برگی که این بیت در آن مندرج است، در پایان

بیت آورده شده است. سپس شماره آن بیت مطابق با شاهنامه خالقی و دفتری که بیت در آن قرار دارد ذکر شده است. آنگاه صورت تصحیح شده بیت که دکتر خالقی انجام داده، آمده است. در مواردی که اختلاف ضبط وجود دارد، نسخه بدل های شاهنامه را پس از هر دو منبع ذکر کرده ایم. برای ذکر نسخه بدل ها از علامات اختصاری شان - آن گونه که در چاپ خالقی مطلق آمده - استفاده شده، که به شرح زیر است:

ف = دست نویس کتابخانه ملی فلورانس مورخ ۶۱۴؛ ل = دست نویس کتابخانه بریتانیا در لندن مورخ ۶۷۵؛ س = دست نویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول مورخ ۷۳۱؛ لن = دست نویس کتابخانه عمومی دولتی لنینگراد مورخ ۷۳۳؛ ژ = دست نویس کتابخانه شرقی وابسته به دانشگاه سن ژوزف بیروت از اواخر سده هفتم و اوایل سده هشتم؛ ق = دست نویس دارالکتب قاهره مورخ ۷۴۱؛ ک = دست نویس موزه ملی کراچی مورخ ۷۵۲؛ ق<sup>۲</sup> = دست نویس دارالکتب قاهره مورخ ۷۹۶؛ لی = دست نویس کتابخانه دانشگاه لیدن مورخ ۸۴۰؛ پ = دست نویس کتابخانه ملی پاریس مورخ ۸۴۴؛ و = دست نویس کتابخانه پاپ در واتیکان مورخ ۸۴۸؛ آ = دست نویس کتابخانه دانشگاه آکسفورد مورخ ۸۵۲؛ ل<sup>۲</sup> = دست نویس کتابخانه بریتانیا در لندن مورخ ۸۹۱؛ ب = دست نویس کتابخانه دولتی برلین مورخ ۸۹۴؛ ل<sup>۳</sup> = دست نویس کتابخانه بریتانیا در لندن مورخ ۸۴۱؛ لن<sup>۲</sup> = دست نویس انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی در لنینگراد مورخ ۸۴۹؛ س<sup>۲</sup> = دست نویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول مورخ ۹۰۳.

به کوشش بزرگی نیاید به جای مگر بخت نیکش بود رهنمای (۱۵a)  
 شاهنامه (مصراع اول): به کوشش نیاید بزرگی<sup>۱</sup> به جای (خالقی، هفتم، ۲۵۴۳/۲۹۵).  
 نسخه بدل: ۱. س، ق، س<sup>۲</sup> (نیز لن، لی، پ - ب): بزرگی نیاید؛ (ق، س<sup>۲</sup>: نیاید؛ در س این واژه نقطه ندارد)؛ ک: نیازد بزرگی؛ (ل<sup>۲</sup>: بزرگی بماند)؛ متن = ل، ژ، ل<sup>۲</sup> (نیز ق<sup>۲</sup>).  
 دل شاه خندان بدی روز خشم که چون چشمه بودیش دریا به چشم (۶۳a)  
 شاهنامه (مصراع اول): دل گیو چندان<sup>۱</sup> شدی روز خشم (خالقی، دوم، ۱۹۶/۴۳۲).  
 نسخه بدل: ۱. ق، لی، آ، ل<sup>۲</sup>: چونان؛ پ، و: خندان؛ متن = ف، لن، ژ، ق، آ، ب (نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>).  
 همه ساله خندان لب جویبار به هر گاه باز شکاری به کار (۱۱۷b)  
 شاهنامه (مصراع دوم): همه ساله<sup>۱</sup> باز شکاری به کار (خالقی، دوم، ۳۲/۵).

نسخه‌بدل: ۱. ل: همه جای؛ س، ب: بهر سوی؛ لن، ق، ل، پ، آ (نیز ل، لن، س):  
بهر جای؛ ژ: به هر گاه؛ و: بهر وقت؛ متن = ف، ق، ل.

نماند به گیتی کسی پایدار همان به که نیکی بود یادگار (۱۴۰a)  
شاهنامه (مصراع اول): نباشد همی نیک و بد پایدار (خالقی، یکم، ۴۸۶/۸۵).

نگر تا نیازی به بیداد دست که آباد گردد ز بیداد، پست (۱۴۳b)  
شاهنامه (مصراع دوم): نگردانی ایوان<sup>۱</sup> آباد<sup>۲</sup> پست (خالقی، چهارم، ۱۲۶/۱۱).

نسخه‌بدل: ۱. ف، س، ژ، ل، س، س<sup>۲</sup> (نیز ل، و): ایران؛ متن = ل، ق (نیز لن، لی، پ، لن، آ،  
آ، ب)؛ ۲. ق: ببیداد.

کسی کو بجوید همی تاج و گاه خرد باید و گنج و رای و سپاه (۱۴۳b)  
شاهنامه (مصراع دوم): خرد باید و رای و گنج و سپاه<sup>۱</sup> (خالقی، هفتم، ۲۹۱۷/۳۲۴).

نسخه‌بدل: ۱. س، ق، ک (نیز لن، لی، ل، لن، ب): گنج و رای (ق: تاج) و (س: بدون  
و): سپاه؛ س<sup>۲</sup> (نیز و): گنج و بیدار بخت؛ متن = ل، ژ (نیز ق، پ).

اگر پشه از شاه بیند ستم روانش به دوزخ بماند دژم (۱۴۳b)  
شاهنامه (مصراع اول): اگر پشه از شاه یابد<sup>۱</sup> ستم

نسخه‌بدل: ۱. ق، ک (نیز و): پیل یابد؛ (ب: یابد از شاه پشه)؛ متن = ل، ژ، س<sup>۲</sup> (نیز لن -  
پ، لن، پ).

اگر شاه بیداد جوید همه پراکنده از گرگ گردد رمه (۱۴۳b)  
شاهنامه (مصراع اول): وگر جنگ و<sup>۱</sup> بیداد جویی همه (خالقی، هفتم، ۳۰۵۹/۳۳۵).

نسخه‌بدل: ۱. ل: وگر چند؛ (ق: اگر چند)؛ متن = یازده دست‌نویس دیگر.  
شاهنامه (مصراع دوم): پراگندن گرد کرده رمه<sup>۱</sup>

نسخه‌بدل: ۱. ژ: پراگندن گرگ گرد رمه؛ س<sup>۲</sup> (نیز ق، ل، ب): پراگندن گرد کردن  
رمه؛ ک: پراگندن و گرد کردن رمه؛ (لن: پراگندن داد جویی همی)؛ متن = ل، س، ق، ل<sup>۲</sup>  
(نیز لی، پ، و).

بدین گیتی اندر نکوهش بود شبان را بدان سر پژوهش بود (۱۴۳b)  
شاهنامه (مصراع دوم): همین<sup>۱</sup> را بدان سر پژوهش بود (خالقی، هفتم، ۳۰۶۰/۳۳۵).

نسخه‌بدل: ۱. (ق: همان).

میانه‌گزینی بمانی به جای      نباشد به جز نیکیت رهنمای (۱۴۴ا)  
 شاهنامه (مصراع دوم): خردمند خواندت<sup>۱</sup> پاکیزه<sup>۲</sup> رای (خالقی، ششم، ۴۶۹/۲۲۶).  
 نسخه‌بدل: ۱. ل: خوانند و؛ س: خواندت و؛ متن = ژ، ق، ک، س<sup>۳</sup> (نیز لن، لی - ب) ۲.  
 ق: خواند ترا پاک).

چنان زی که گر پرسدت کردگار      نیچی سر از شرم روز شمار (۱۴۵ا)  
 شاهنامه (مصراع اول): همان کن چو<sup>۱</sup> پرسد ز تو<sup>۲</sup> کردگار (خالقی، چهارم، ۱۴۳۵/۲۶۲).  
 نسخه‌بدل: ۱. ل - س<sup>۳</sup> (نیز لن، لی، ل، پ، لن، آ، ب): که؛ متن = ف. ۲. ل: گر  
 پرسدت؛ ق: بگیتی چنان زی که از).

شاهنامه (مصراع دوم): نیچی تو سر زان به<sup>۱</sup> روز شمار.  
 نسخه‌بدل: ۱. ل - س<sup>۳</sup> (نیز لن - پ، لن، آ، ب): نیچی سر از (ل، پ: از آن؛ ل: تواز؛  
 ژ، س: بدان) شرم؛ متن = ف.

چنین گفت نوشین روان را قباد      که چون شاه را [دل] بیچد ز داد (۱۴۵ا)  
 شاهنامه (مصراع اول): چنین گفت نوشین<sup>۱</sup> روان قباد<sup>۲</sup> (خالقی، ششم، ۴۷/۱۳۷).  
 نسخه‌بدل: ۱. (آ: روشن) ۲. (پ: کی قباد).  
 \* از نسخه‌ی اساس ما واژه «دل» افتاده است و ما آن را از روی سایر نسخه‌های تاج‌المآثر به  
 متن افزودیم.

نباید که گویی بجز نیکوی      وگر بد سراید کسی، نشنوی (۱۴۵ب)  
 شاهنامه (مصراع اول): نباید که گویی جز از<sup>۱</sup> نیکوی (خالقی، ششم، ۲۰/۲۵۶).  
 نسخه‌بدل: ۱. ل، ژ (نیز ق، ل، پ): بجز؛ (آ: جزین)؛ متن = س - س<sup>۳</sup> (نیز لن، لی، و، لن، ب).  
 تو تخم بدی تا توانی مکار      چو کاری، ترا بر دهد روزگار (۱۴۶ا)  
 شاهنامه (مصراع اول): که تخم بدی تا توانی مکار (خالقی، هفتم، ۱۲۳۵/۵۶۸).  
 شاهنامه (مصراع دوم): چو کاری برت<sup>۱</sup> بر دهد روزگار.  
 نسخه‌بدل: ۱. ژ: چو کاری بر بد؛ س، ق، س<sup>۳</sup> (نیز ق، ل، لی، و، آ، ب): چو کاری ترا؛  
 متن = ل، ک (نیز لن، پ، لن).

ز گیتی ستایش بماند بسست      که تاج و گهر بهر دیگر کسست (۱۴۶ا)  
 شاهنامه (مصراع اول): به گیتی ستایش بماندت بس<sup>۱</sup> (خالقی، ششم، ۱۲۶۵/۵۱۰).

- نسخه‌بدل: ۱. ل، س، ک، ل، آ، س (نیز لن، لی - ب): ز (س، س، آ، لن، لی - ب: به) گیتی ستایش بما بر (س، س، آ، لی - ب: بماند) بس است؛ متن = (ق، آ).  
 شاهنامه (مصراع دوم): که تاج و کمر خود نماند به کس<sup>۲</sup>.
- نسخه‌بدل: ل، س، ک، ل، آ، س (نیز لن، ل - ب): بهر دیگر کس است (لی: این تاج تو بهر دیگر کس است)؛ متن = (ق، آ)؛ ق این بیت را ندارد.
- عنان بزرگی هر آنکس که جست نخستش بیاید به خون دست شست  
 شاهنامه (مصراع دوم): نخستین بیاید ز خود<sup>۱</sup> دست شست (خالقی، سوم، ۱۱۹۴/۹۹).  
 نسخه‌بدل: ۱. ل - س (نیز لن - ب): بخون؛ متن = ف.
- نه مردی بود چاره جستن به جنگ بگشتن ز رسم دلاور نهنگ (۱۷۲a)  
 شاهنامه (مصراع اول): نه مردی بود چاره جستن به رنگ<sup>۱</sup> (خالقی، دوم، ۲۰۸/۸۲).  
 نسخه‌بدل: ۱. ل، س، لن، ق - ب (نیز ل، آ، لن): به جنگ؛ متن = ف، ژ (نیز س، آ).  
 شاهنامه (مصراع دوم): نرفتن<sup>۱</sup> به رسم دلاور پلنگ<sup>۳</sup>.
- نسخه‌بدل: ۱. س، ق، آ، پ، آ، ل، آ، ب: نرفتی؛ لن: برفتی (حرف اول نقطه ندارد)؛ لی: بروی و؛ (لن: برفتی)؛ متن = ف، ل، ژ، ق، و. ۲. به رسم: پ، و (نیز لن، آ، س): بسان؛ آ: براه. ۳. پلنگ: س، لن، ق، آ، ل (نیز ل، آ، لن، س): نهنگ؛ متن = ف، ژ، لی، ق، ب.
- که در جنگ هرگز نسازد کمین وگر چند باشد دلش پر ز کین (۱۷۲a)  
 شاهنامه (مصراع اول): که در بزم<sup>۱</sup> هرگز نسازد کمین (خالقی، دوم، ۲۰۹/۸۲).  
 نسخه‌بدل: ۱. ل، س، لن، ق، آ، ب (نیز لن، آ، س): جنگ؛ متن = ف، ق (نیز ل، آ).  
 شاهنامه (مصراع دوم): اگر<sup>۱</sup> چند باشد دلش پر ز کین.  
 نسخه‌بدل: ۱. ق، آ: وگر.
- تو گفتی ز جنگش سرشت آسمان نیارامد از تاختن یک زمان (۱۷۳a)  
 شاهنامه (مصراع دوم): نیاساید<sup>۱</sup> از تاختن یک زمان (خالقی، دوم، ۷۱۱/۱۷۴).  
 نسخه‌بدل: ۱. ل: نیارامد؛ ژ: نیاسود؛ متن = ف، لن - پ، آ، ل، ب (نیز ل، آ، لن، س، آ).  
 چو سر برزد از تیغ کوه آفتاب چو زرین سپر گشت رخسار آب (۱۷۸b)  
 شاهنامه (مصراع اول): چو برزد سر از تیغ کوه آفتاب (خالقی، ششم، ۳۷۳/۱۵۹).  
 شاهنامه (مصراع دوم): به سوی سطر<sup>۱</sup> آمد از پیش<sup>۲</sup> آب.

نسخه‌بدل: ۱. ل، ق، ک (نیز لن، لی - لن، ب): صطخر؛ متن = س، ژ، ل، ق، س<sup>۲</sup> (نیز ق<sup>۲</sup>، آ). ۲. ک: سوی (ل: روی).

ستاره سنان بود و خورشید تیغ ز آهن زمین بود وز گرد میغ (۱۸۰b)  
شاهنامه (مصراع اول): ستاره سنان بود و خورشید تیغ (خالقی، چهارم، ۲۷۸/۲۰).

شاهنامه (مصراع دوم): از<sup>۱</sup> آهن زمین بود و از<sup>۲</sup> گرز میغ.

نسخه‌بدل: ۱. از: ف، ژ، ل، ق، س<sup>۲</sup>: ز؛ متن = ل، س، ق. ۲. ف، ل، ق، ل، ق، س<sup>۲</sup>: وز؛ متن = ژ، س.

تو گفתי که خورشید در پرده شد زمین زیر نعل اندر آورده شد (۱۸۰b)  
شاهنامه (مصراع اول): تو گفתי که خورشید در پرده شد (خالقی، سوم، ۲۱۱/۲۳۴).

شاهنامه: مصراع دوم: زمین زیر نعل اندر آورده<sup>۱</sup> شد.

نسخه‌بدل: ۱. ف: آورده؛ متن = س، ژ، ق، ل، ق، س<sup>۲</sup> (نیز لن، ق<sup>۲</sup>، لی، و، لن، آ، ب).

به تن زنده پیل و به جان جبرئیل به کف ابر بهمن، به دل رود نیل (۱۸۵b)  
شاهنامه (مصراع اول): به تن زنده پیلی<sup>۱</sup>، به جان جبرئیل (خالقی، چهارم، ۲۳۷۳/۱۵۵).

نسخه‌بدل: ۱. ق، س<sup>۲</sup> (نیز ق<sup>۲</sup>، لی، پ، لن، آ): پیل و؛ متن = ف، س، ژ، ل<sup>۲</sup> (نیز لن، و، ب).  
شاهنامه (مصراع دوم): به دست<sup>۱</sup> ابر بهمن، به دل رود نیل.

نسخه‌بدل: ۱. س، س<sup>۲</sup> (نیز لن، ق<sup>۲</sup>، پ، لن، آ، ب): بکف؛ (لی: بتن)؛ متن = ف، ژ (نیز آ)؛ ل (نیز ل<sup>۲</sup>) این بیت را ندارند.

یکی تیغ دارم به چنگ اندرون که هم‌رنگ ابرست و بارانش خون (۱۸۸a)  
شاهنامه (مصراع اول): یکی ابر دارم به چنگ اندرون (خالقی، اول، ۸۰/۳۳۳).

شاهنامه (مصراع دوم): که هم‌رنگ آب است و بارانش خون.

همی آتش افروزد از گوهرش همان مغز پیلان بساید سرش (۱۸۸a)  
شاهنامه (مصراع دوم): همی<sup>۱</sup> مغز پیلان بساود<sup>۲</sup> سرش (خالقی، اول، ۸۱/۳۳۳).

نسخه‌بدل: ل، ب: همه. ۲. ل، ق، و، آ، ب (نیز لن<sup>۲</sup>) بساید؛ لی: بگوید؛ (س<sup>۲</sup>: بسوزد)؛ متن = ف، ژ، ق (نیز ل<sup>۳</sup>)؛ لن، پ این بیت را ندارند.

که خود کرده جنگ شیران منم پناه دلیران ایران منم (۱۸۸a)  
شاهنامه (مصراع اول): که خو کرده جنگ توران<sup>۱</sup> منم (خالقی، سوم، ۱۵۸۹/۲۰۱).

نسخه‌بدل: ۱. ل: ترکان؛ ل<sup>۲</sup>: شیران؛ متن = ف، س، ژ، ق، س<sup>۲</sup>.

- شاهنامه (مصراع دوم): یکی نامداری از ایران منم.  
 ز قربان چو چاچی کمان برکشم      زمانه برآرد سر از ترکشم (۱۸۸۸)  
 شاهنامه (مصراع اول): هر آنگه که جوشن به بر<sup>۱</sup> درکشم (خالقی، یکم، ۸۲/۳۳۳).  
 نسخه‌بدل: ۱. ژ: ز قربان چو چاچی کمان برکشم؛ لن، ق، آ، پ، ب (نیز لن<sup>۲</sup>): هر آنگه  
 که چاچی بزه؛ متن = ف، ل، ق، لی، و، ل<sup>۳</sup> (نیز ل<sup>۳</sup>، س<sup>۲</sup>).  
 گریز بهنگام با سر بجای      به از نام جستن به نام و به رای (۲۰۳۸)  
 شاهنامه (مصراع اول): گریزی<sup>۱</sup> بهنگام با سر به جای (خالقی، سوم، ۲۰۸۷/۳۳۲).  
 نسخه‌بدل: ۱. س: گریز؛ ل<sup>۲</sup>: گریزش؛ متن = ف، ل، ژ، س<sup>۲</sup>.  
 شاهنامه (مصراع دوم): به از رزم جستن به نام و به رای<sup>۱</sup>.  
 نسخه‌بدل: ۱. ژ: به از نام جستن به هوش و به رای؛ ق: به از رزم کز وی نمانم به جای  
 (پساوند ندارد)؛ ل<sup>۲</sup>: به از نام جستن برزم و برای؛ متن = ف، ل، س، س<sup>۲</sup>.  
 دلیری که نندیشد از پیل و شیر      تو دیوانه خوانش مخوانش دلیر (۲۰۳۸)  
 شاهنامه (مصراع اول): دلاور که نندیشد از پیل و شیر (خالقی، یکم، ۲۵۲/۱۰۵).  
 زمین هفت فرسنگ لشکر گرفت      ز لشکر جهان دست بر سر گرفت (۲۰۹۸)  
 شاهنامه (مصراع دوم): ز لشکر زمین دست بر سر گرفت.  
 نبد جای جوینده را بر زمین      ز نیره هوا ماند اندر کمین (۲۰۹۸)  
 شاهنامه (مصراع اول): نبد جای پوینده<sup>۱</sup> را بر زمین (خالقی، دوم، ۸۵/۳۸۴).  
 نسخه‌بدل: ۱. لی، آ: پویند؛ و: پرند.  
 شاهنامه (مصراع دوم): ز نیزه هوا مانده<sup>۱</sup> اندر کمین.  
 نسخه‌بدل: ۱. ل، س، لن، ژ، ق، لی، و، آ، ل<sup>۲</sup> (نیز ل<sup>۳</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): ماند؛ متن = ف، ق، آ، پ،  
 ل<sup>۲</sup>، ب.  
 دو گوشش چو دو خنجر آبدار      بر و بال فربه میانش نزار (۲۱۰b)  
 شاهنامه (مصراع دوم): بر و یال فربی<sup>۱</sup> میانش نزار (خالقی، یکم، ۹۸/۳۳۵).  
 نسخه‌بدل: ۱. ل، لن، ق، لی - ب (نیز ل<sup>۳</sup>، لن<sup>۲</sup>): فربه؛ متن = ف، ژ، ق<sup>۲</sup> (نیز س<sup>۲</sup>).  
 به خون غرقه شد خاک و سنگ و گیا      بگشتی ز خون گر بیدی آسیا<sup>۱</sup> (۲۱۱b)  
 شاهنامه (مصراع دوم): بگشتی به خون گر بیدی آسیا (خالقی، پنجم، ۱۴۸۵/۲۱۴).

بیابان چو دریای خون شد درست تو گفתי که روزی\* زمین لاله رست (۲۱۱b)  
 شاهنامه (مصراع دوم): تو گفתי که روی زمین لاله رست (خالقی، اول، ۸۴۷/۱۴۱).  
 \* در دست‌نویس‌های دیگر تاج‌المآثر، به جای واژه «روزی»، واژه «روی» آمده است که با ضبط شاهنامه همخوانی کامل دارد.

سران را همه سر جدا شد ز تن پر از خاک چنگ و پر از خون دهن (۲۱۲a)  
 شاهنامه (مصراع اول): سران را جدا شد همی سر ز تن<sup>۱</sup> (خالقی، سوم، ۱۰۹۳/۳۸۴).  
 نسخه‌بدل: ۱. ژ: سران را کنم دور سرها ز تن؛ س (نیز ب): سران را جدا شد بسی سر ز تن؛  
 ل<sup>۲</sup> (نیز آ): سران را جدا شد همه سر ز تن؛ ل، س<sup>۳</sup> (نیز لن، لی، ل<sup>۴</sup>، پ، و، لن<sup>۵</sup>): سران را  
 همه (ل، لی: بسی؛ س<sup>۶</sup>: همی) سر جدا شد ز تن؛ متن = ف.  
 شاهنامه (مصراع دوم): پر از خاک سر بُد<sup>۱</sup> پر از خون دهن.  
 نسخه‌بدل: ۱. ل، ژ، ل<sup>۲</sup>: پر از خاک ریش و؛ س (نیز ل<sup>۳</sup>، لی، آ، ب): پر از خاک روی و؛  
 س<sup>۴</sup> (نیز لن، ق<sup>۵</sup>، لی، و): پر از خاک چنگ و؛ (پ: چشم و): متن = ف.

کفش جوشن و بستر از خار و خاک تن نازدیده به شمشیر چاک (۲۱۲a)  
 شاهنامه (مصراع اول): کفن جوشن و بستر از خون و خاک (خالقی، سوم، ۱۶۷/۱۱۵).  
 در دیگر دست‌نویس‌های تاج‌المآثر به جای «کفش» واژه «کفن» آمده است. در نسخه  
 مورخ ۷۲۶ به جای «خار» واژه «خون» آمده که با ضبط خالقی همخوانی دارد.  
 چو ماه از بر تخت زرین نشست سه پاس از شب تیره اندر گذشت (۲۱۷a)  
 شاهنامه (مصراع اول): چو ماه از بر تخت سیمین<sup>۱</sup> نشست (خالقی، پنجم، ۶۸۰/۲۷۵).  
 نسخه‌بدل: ۱. س، ک، س<sup>۲</sup> (نیز ق<sup>۳</sup>، لی، آ، ب): زرین؛ متن = ل، ژ، ق، ل<sup>۴</sup> (نیز لن، ل<sup>۵</sup>،  
 پ، و، لن<sup>۶</sup>).

ز سر، شاره هندوی برگرفت برهنه سر و دست بر سرگرفت (۲۳۶b)  
 شاهنامه (مصراع دوم): برهنه شد و دست بر سر گرفت (خالقی، پنجم، ۱۳۱/۴۴۹).  
 همان موزه از پای بیرون کشید به زاری ز مژگان همی خون کشید (۲۳۶b)  
 شاهنامه (مصراع دوم): به زاری به مژگان ز دل خون کشید (خالقی، پنجم، ۱۳۲/۴۴۹).  
 نسخه‌بدل: ۱. ل (نیز پ): ز مژگان همی؛ س: ز مژگانش در؛ ژ: ز مژگان بسی؛ ل<sup>۲</sup> (نیز

ل<sup>۳</sup>، آ، ب: ز مزگان و (ب: ز؛ ل<sup>۳</sup>: به) دل؛ س<sup>۲</sup> (نیز ق<sup>۲</sup>، ل<sup>۱</sup>): ز مزگان دل؛ (و: ز مزگان به رخ؛ ل<sup>۲</sup>: ز مزگان همش)؛ متن= ق، ک.

گران‌مایه مغفر به سر برنهاد همی کرد بدخواهش از مرگ یاد (۲۴۱b)

شاهنامه (مصراع دوم): همی کرد بدخواه از مرگ<sup>۱</sup> یاد (خالقی، سوم، ۱۴۱۰/۱۹۱).

نسخه‌بدل: ل، س، ژ (نیز لن، ق<sup>۲</sup>، ل<sup>۳</sup>، پ، و، لن<sup>۲</sup>، ب): بدخواهش از مرگ؛ ق: بدخواه او رزم؛ ل<sup>۲</sup>، س<sup>۱</sup>: از مرگ بدخواه؛ (ل<sup>۱</sup>): بدخواه را مرگ؛ متن= ف.

فزاینده باد آوردگاه فشاننده خون بر ابر سیاه (۲۴۲b)

شاهنامه (مصراع دوم): فشاننده تیغ<sup>۱</sup> از<sup>۲</sup> ابر سیاه (خالقی، یکم، ۶۱۸/۲۰۵).

نسخه‌بدل: ۱. ف: میغ؛ ل (نیز ل<sup>۳</sup>، س<sup>۲</sup>): خون. ۲. ق، ل<sup>۱</sup>: ز.

برفتند با هوش و رای و درنگ که تیزی پشیمانی آرد به جنگ (۲۴۴a)

شاهنامه (مصراع اول): همی رفت با رای و هوش<sup>۱</sup> و درنگ (خالقی، چهارم، ۳۴۵/۱۹۲).

نسخه‌بدل: ۱. س، ق، ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>: هوش و رای.

سپردند اسبان همه خون به نعل شده پای پیل از دل کشته لعل (۲۴۴a)

شاهنامه (مصراع اول): سپردند اسبان همی خون به نعل (خالقی، دوم، ۳۲۳/۴۰۴).

دو راویه سپه برکشیدند صف ز خنجر همی تافت خرشید تف (۲۴۴b)

شاهنامه (مصراع دوم): ز خنجر همی یافت<sup>۱</sup> خورشید تف (خالقی، پنجم، ۱۵۶/۵۴۱).

نسخه‌بدل: ۱. س<sup>۲</sup> (نیز ل<sup>۱</sup>، ب): تافت؛ و این بیت را ندارد.

تو گفتی هوا چون خروشد همی زمین از خروزش بجوشد همی (۲۴۴b)

شاهنامه (مصراع اول): تو گفتی هوا خون خروشد همی (خالقی، پنجم، ۱۵۹/۵۴۱).

وز آواز اسبان و بانگ سران جرنگیدن گرزهای گران (۲۴۴b)

شاهنامه (مصراع اول): از<sup>۱</sup> آواز اسبان و بانگ سران (خالقی، پنجم، ۱۶۱/۵۴۱).

نسخه‌بدل: ۱. ل، ژ (نیز ل<sup>۳</sup>، پ): ز؛ (لن، ق<sup>۲</sup>: وز)؛ متن= س - س<sup>۲</sup> (نیز ل<sup>۱</sup>، و، لن<sup>۲</sup>، آ، ب).

تو گفتی زمین کوه جنگی شدست ز گرد آسمان روی رنگین<sup>\*</sup> شدست (۲۴۴b)

شاهنامه (مصراع دوم): ز گرد آسمان روی زنگی شده‌ست (خالقی، پنجم، ۱۶۲/۵۴۱).

\* در دیگر دست‌نویس‌های تاج‌المآثر به جای «رنگین»، واژه «زنگی» آمده است که با

ضبط شاهنامه همخوانی کامل دارد.

- در و دشت گفتی که پر خون شدست      خور از چرخ گردنده بیرون شدست (۲۶۵b)
- شاهنامه (مصراع اول): در و دشت گفتی همه<sup>۱</sup> خون شده‌ست (خالقی، چهارم، ۱۶۳۷/۲۷۵).  
نسخه‌بدل: ۱. س، ل<sup>۲</sup> (نیز لن، ق<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، ب): که پر؛ ق این بیت را ندارد.
- یکی تیرباران بکردند سخت      چو باد خزان بر جهد بر درخت (۲۶۹b)
- شاهنامه (مصراع دوم): چو باد خزان بگذرد بر<sup>۱</sup> درخت (خالقی، سوم، ۹۱۷/۸۳).  
نسخه‌بدل: ۱. ل: خزانی که ریزد؛ ل<sup>۲</sup>: خزان بریزد بر؛ متن = ف، س، ژ، ق، س<sup>۲</sup>.  
هوا را بیوشید پرّ عقاب      نبیند چنان رزم، جنگی به خواب (۲۶۹b)
- شاهنامه (مصراع دوم): نبیند چنان جنگ<sup>۱</sup> جنگی به خواب (خالقی، سوم، ۲۱۲۸/۲۳۵).  
نسخه‌بدل: ۱. ل: رزم.
- همه خسته و بسته بُد آنک زیست      بران کشته و خسته باید گریست (۲۷۰a)
- شاهنامه (مصراع اول): همه خسته و بسته بود<sup>۱</sup> آنک زیست (خالقی، سوم، ۷۸۸/۷۵).  
نسخه‌بدل: ۱. ل، ژ، س<sup>۲</sup>: بد؛ متن = ف.  
شاهنامه (مصراع دوم): شد آن کشته، بر خسته باید گریست.
- نه تخت و نه تاج و نه پرده‌سرای      نه اسب و نه مردان جنگی به جای (۲۷۰a)
- شاهنامه (مصراع اول): نه تخت و نه تاج و نه پرده‌سرای (خالقی، سوم، ۷۸۹/۷۵).  
کرا گم شود راه آموزگار      سزد گر جفا بیند از روزگار (۲۷۴b)
- شاهنامه (مصراع اول): گر او گم کند<sup>۱</sup> راه آموزگار (خالقی، دوم، ۸/۳).  
نسخه‌بدل: ۱. ل، ق، و (نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): کرا گم شود؛ س، لن، لی، پ، آ، ب: اگر گم کند؛  
ل<sup>۲</sup>: گرو بفکند؛ (لن<sup>۲</sup>: اگر گم شود)؛ متن = ف، ق<sup>۲</sup>.
- چنان شد ز گرد سپاه آفتاب      که آتش برآید ز دریای آب (۲۷۷b)
- شاهنامه (مصراع دوم): که آتش برآمد<sup>۱</sup> ز دریای آب (خالقی، سوم، ۱۶۰/۱۱۵).  
نسخه‌بدل: ۱. ژ: برآید.
- نبودش جز از رزم چین آرزو      ببازو خم خام و چین در برو (۲۷۷b)
- شاهنامه (واژه‌های قافیه): آرزوی و بروی (خالقی، سوم، ۲۱۵۰/۲۳۶).  
در نسخه‌های ل<sup>۲</sup> و س<sup>۳</sup>، مصراع دوم ضبط متفاوت‌تری دارد و به جای «چین در بروی»،  
«پرچین بروی» آمده است؛ متن = ف.

هر آنکس که دانش نیایی برش مکن ره گذر تا زید بر درش<sup>۱</sup> (۲۸۲a)  
 شاهنامه (مصراع دوم): مکن ره گذر تا زیبی<sup>۱</sup> بر درش (خالقی، ششم، ۱۱/۲۵۶).  
 نسخه‌بدل: ل، س، ژ، ک، ل<sup>۲</sup> (نیز لن، پ، لن<sup>۳</sup>): تا زید؛ س<sup>۴</sup> (نیز لی): تا زیبی رهگذر؛  
 ق<sup>۵</sup>: تا زید ره گذر؛ و، آ: تا توانی گذر؛ ق: بده ره گذر تا زنی؛ متن = (ل<sup>۳</sup>، ب).  
 شکیبایی و هوش و رای و خرد هزبر ژیان را به دام آورد (۲۸۳a)  
 شاهنامه (مصراع دوم): هزبر از بیابان به دام آورد<sup>۱</sup> (خالقی، یکم، ۷۶۷/۱۳۷).  
 نسخه‌بدل: ژ: هزبر ژیان را به دام آورد.  
 گرازان بر گور نعره‌زنان سمندش جهان و جهان را کنان (۲۸۷b)  
 شاهنامه (مصراع اول): گرازان و بر گور نعره‌زنان (خالقی، دوم، ۸۴۳/۱۸۴).  
 در نسخه<sup>۱</sup> لی، واو عطف نیامده و ضبط آن چنین است: گرازان ابر کوه نعره‌زنان.  
 گله هر سوی مرغ و نخچیر بود اگر کشته ور خسته تیر بود (۲۹۰a)  
 شاهنامه (مصراع اول): بله<sup>۱</sup> هر سوی مرغ و نخچیر بود (خالقی، دوم، ۳۳/۱۰۵).  
 نسخه‌بدل: ۱. ژ: گله.  
 شاهنامه (مصراع دوم): اگر کشته گر<sup>۱</sup> خسته تیر بود.  
 نسخه‌بدل: ۱. ق: ور؛ لی: از.

### نتیجه‌گیری

پس از بررسی ابیات شاهنامه در کتاب تاج‌المآثر و مقابله با شاهنامه چاپ دکتر خالقی مطلق و نسخه‌بدل‌های آن، این نتایج به دست آمد:

از ۹۲ بیتی که در این کتاب از شاهنامه فردوسی شناسایی شد، ۳۳ بیت آن با متن مصحح شاهنامه خالقی همخوانی کامل دارد. همچنین سه بیت و ۲۱ مصراع آن با ضبط دست‌نویس‌های شاهنامه اختلاف دارد. از این تعداد، در ۱۷ مصراع، اختلاف فقط در یک واژه است. سه بیت و چهار مصراع هم به دست آمد که با ضبط دست‌نویس‌های شاهنامه در چند مورد اختلاف دارد. علت برخی موارد اختلاف، آن است که گاه نویسنده برای یک هدفی در بیت شاهنامه دست برده و کلمه‌ای را تغییر داده است. در متن تاج‌المآثر در چند سطر پیش از بیت سوم (در این مقاله)، سخن از خشم شاه از شورش شخصی به نام «جتوان» به میان آمده است (تاج‌المآثر، فریم ۶۵) و نویسنده برای آنکه حالت شاه را در

هنگام خشم بیان کند، از بیتی از شاهنامه فردوسی بهره جسته است و از آنجاکه می‌خواسته این بیت را هرچه بیشتر به کلام خود نزدیک سازد، واژه «گیو» را - که در همه نسخه‌های شاهنامه موجود است - حذف کرده و واژه «شاه» را به جای آن قرار داده است. در بیت ۲۵ نیز مؤلف تاج‌المآثر برای اینکه بتواند این بیت را به صورت مستقل به کار گیرد، حرف ربط «که» را از آغاز مصراع نخست انداخته و به جای آن واژه «تو» را جایگزین کرده است.

ضبط بقیه ابیات اگرچه با صورت تصحیح‌شده آن در چاپ دکتر خالقی متفاوت است، در این گونه موارد، دست کم یک و گاهی چندین دست‌نویس شاهنامه، ضبط تاج‌المآثر را تأیید می‌کند، و این گواه آن است که مؤلف تاج‌المآثر در نقل ابیات شاهنامه، کمتر به حافظه خود اعتماد کرده و بیشتر به نسخه و یا نسخه‌هایی که از شاهنامه در اختیار داشته، متکی بوده است. در جاهایی که میان دست‌نویس‌های شاهنامه اختلاف ضبط وجود دارد، بسامد برابری و نزدیکی ضبط این دست‌نویس‌ها به ضبط کتاب تاج‌المآثر بدین گونه است: س<sup>۱</sup>: ۵۷ مورد، ل: ۵۶ مورد، ل: ۵۶ مورد، پ: ۵۳ مورد، ل: ۵۳ مورد، س: ۵۱ مورد، ل: ۵۱ مورد، ق: ۴۹ مورد، ل: ۴۸ مورد، ب: ۴۸ مورد، ق: ۴۷<sup>۲</sup> مورد، ل: ۴۷ مورد، ف: ۴۰ مورد، ژ: ۲۶ مورد، ک: ۲۲ مورد. براساس آمار به دست آمده، ضبط تاج‌المآثر بیش از همه نسخه‌های شاهنامه، به ضبط دست‌نویس س<sup>۱</sup> نزدیک است و نسخه کهن و شناخته‌شده ل هم در بیشتر موارد، ضبط‌های کتاب تاج‌المآثر را تأیید می‌کند.

نکته درخور توجه آنکه در چهار مورد (مصراع اول بیت‌های ۳، ۲۷، ۵۵، ۵۸، ۶۰) - که هیچ‌یک از دست‌نویس‌های شاهنامه، ضبط تاج‌المآثر را تأیید نمی‌کند - ضبط نسخه ژ با ضبط این کتاب همخوانی کامل دارد؛ این درحالی است که ضبط‌های نسخه ژ در کل به ضبط‌های تاج‌المآثر چندان نزدیک نیست.

### منابع

- بهار، محمدتقی (۱۳۷۰)، سبک‌شناسی، چاپ ششم، تهران، امیرکبیر.
- خالقی مطلق، جلال (۱۳۹۰)، شاهنامه از دست‌نویس تا متن، چاپ اول، تهران، میراث مکتوب.
- رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۵)، متن‌شناسی شاهنامه فردوسی، چاپ اول، تهران، میراث مکتوب (با همکاری مؤسسه آموزش عالی غیرانتفاعی و غیردولتی حافظ شیراز).
- ریاحی، محمدمامین (۱۳۸۲)، سرچشمه‌های فردوسی‌شناسی، چاپ دوم، تهران، پژوهشگاه علوم

انسانی و مطالعات فرهنگی.

فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۹)، شاهنامه، به کوشش جلال خالقی مطلق، چاپ دوم، تهران، مرکز دائرالمعارف بزرگ فارسی.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۹)، شاهنامه، نسخه‌برگردان از روی نسخه کتابت اواخر سده هفتم و اوایل سده هشتم هجری قمری (کتابخانه شرقی، وابسته به دانشگاه سن ژوزف بیر. ت، شماره NC43)، به کوشش ایرج افشار، محمود امیدسالار، نادر مطلبی کاشانی، با مقدمه جلال خالقی مطلق، تهران، طلایه.

قریب، مهدی (۱۳۶۹)، بازخوانی شاهنامه، چاپ اول، تهران، توس.

نظامی، حسن، تاج‌المآثر، دست‌نویس کتابخانه فیض‌الله افندی، فیلم شماره ۱۶۹ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

Archive of SID